

آستانگی در مناسک حج (مقایسه تحلیلی مناسک حج با مفهوم آستانگی و ویژگی‌های تئاتر گردشیاقتی)

علی رویین*

دانشجوی دکتری تئاتر، دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۸/۱۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۲/۲۶)

چکیده

این پژوهش کوشیده است مناسک حج ابراهیمی را، با تمرکز بر مفهوم «آستانگی» نزد ویکتور ترنر و الگوی تئاتر اکسپدیشن یا گردشیاقتی تحلیل کند. برای انجام این کار، نخست مفاهیم کلیدی-آستانگی، تئاتر اکسپدیشن، مناسک حج- را تعریف کرده، سپس با تمرکز بر الگوی ترسیم ترنر از ویژگی‌های سه‌گانه هر آیین- تجویزی بودن، ریخت‌مندی، باوری بودن- اعمال و ساختار مناسک حج را- به عنوان یک آیین و از منظری نمایشی- مورد بررسی قرار داده است. همچنین، با دسته‌بندی و بررسی شرایط امکان «آستانگی» در مناسک یادشده و به دست آمدن چهار شاخص (فردی، اندیشگانی، تبلیغی، انتقادی) به عنوان شیوه‌های تاثیرگذاری مفهوم آستانگی، الگوی تئاتر اکسپدیشن یا گردشیاقتی با الگوی ساختاری اعمال حج مقایسه شده است. برآیند و دستاورد نهایی، بیانگر تایید فرضیه پژوهش- مبنی بر انطباق، مشابهت و یا همسویی نظریه (آرای ترنر- الگوی تئاتر اکسپدیشن) و متن (مناسک حج)- در دو سویه مشابهت و همسویی، و رد آن در سویه انطباقی بوده است. نیز، برآیند قیاس پدیدارشناساختی الگوی گردشیاقت و مناسک حج، در سطح قالب (اجرا) همسان و در سطح محتوا (انگیزش و هدف‌گذاری) ناهمسان دانسته شده است. انتظار می‌رود برآیند این پژوهش، گام کوچکی باشد در راستای شناخت هرچه بیشتر داشته‌های آیینی و نمایشی دین و فرهنگ ایرانی، نقش مفهوم آستانگی (به عنوان سنجه‌ای کاربردی در تحلیل ریختارهای نمایشی) و نهایتاً تئاتر گردشیاقتی به عنوان یک ریختار نوین نمایشی.

واژه‌های کلیدی

مناسک حج، آستانگی، تئاتر اکسپدیشن، آرتور ون گنپ، ویکتور ترنر.

مقدمه

الف) نسبت مناسک حج و مفهوم آستانگی، با تمرکز بر چه ویژگی‌هایی و تا چه میزان، قابل تطبیق و تحلیل است؟
 ب) مهم‌ترین ویژگی‌های ممیز «مفهوم آستانگی» در مناسک حج با دیگر مناسک آیینی / اجتماعی چیست؟
 پ) اصلی‌ترین شیوه(های) تاثیرگذاری مفهوم آستانگی در شکل‌گیری کنش‌های نمایشی، شبه‌نمایشی و یا اجتماعی یک جامعه(با تمرکز بر شرکت‌کنندگان در مناسک حج) چیست؟

چنانکه در چکیده گفته شد، پژوهش حاضر می‌کوشد مناسک حج ابراهیمی را، با تمرکز بر مفهوم آستانگی^۱ در نظریه ویکتور ترنر تحلیل کند. بر این اساس، فرضیه اصلی پژوهش بر سه سویه انطباقی، مشابهت و یا همسویی نظریه (دیدگاه ترنر) و متن (مناسک حج) استوار است. نهایتاً پژوهش حاضر می‌کوشد با طرح پرسش‌های زیر، مسیر تحلیلی خود را تا رسیدن به نتایج مطلوب سامان دهد.

۱. پیشینه پژوهش

آستانگی مفهومی است برآمده از دیدگاه آرنولد ون گنپ^۴ در کتابی با عنوان مناسک گذار^۵؛ مفهومی که افراد با گذر از آن به عنوان یک مرحله و طی کردن تشریفات خاص، به مقاطع مهم زندگی و رشد خود تشریف می‌یابند؛ وی آستانگی را بخشی از تقسیم‌بندی سه‌گانه خود از مراسم آیینی دانسته و آن را جایگاهی مستقر در سنت‌ها می‌داند (Ven Gennepe et al., 1960, 95). اما سویه تفسیری این پژوهش، به دلایلی که از پی خواهد آمد، بر اساس تفسیر ویکتور ترنر^۶ از مفهوم "آستانگی" انتخاب شده است.

ترنر با وام‌گیری مفهوم آستانگی ون گنپ، آن را به سان موقعیت یا مرحله‌ای میان ساختاری^۷، تعریف کرده و با تخصیص ویژگی‌هایی چند، آستانگی را دارای توان ساختاری قابل تاملی، از منظر دراماتیک معرفی کرده است (Crosby, 2009, 10; St John, 2008, 27)؛ تفسیری که ریچارد شکنر (۱۳۸۸)^۸ نیز، در بررسی خود از مناسک و آیین‌ها، بر آن تکیه کرده است.

ترنر، آیین‌های گذار^۹ را با تاثیر از دیدگاه ون گنپ، به ۴ مرحله اصلی (در سطح عمومی خود) تقسیم می‌کند: (۱) شکاف در روابط اجتماعی منظم و قاعده‌مند (۲) بحران که در شدنش، میل به توسعه دارد. (۳) عمل جبرانی، که تمام موارد پیشین را به جهت بسیط بودنش شامل می‌شود و (۴) انسجام و یکپارچگی دوباره به هم‌ریختگی (شکنر، ۱۳۸۸، ۳۳۹؛ Westerveld, 2010, 8). بر اساس ویژگی‌ها و تعاریف ارائه شده، می‌توان آستانگی را این‌گونه تعریف کرد: آستانگی، مفهومی است که در مرحله دوم - یعنی بحران - جای می‌گیرد. در هر بحرانی (عمومی)، جایگاهی شبه‌انتزاعی وجود دارد که چنان میانه(یا: گامگاه، درگاه، دروازه)ای است برای مراحل باثبات‌تر یا کم‌ثبات‌تر در فرایند اجتماعی (شدن یا کنش اجتماعی)؛

درباره مناسک حج و فرایند اجرایی، قواعد، احکام و نهایتاً تاریخچه آن، مقالات پرشماری - ترویجی و پژوهشی - به چاپ رسیده است. اما در خصوص تحلیل و بررسی این مناسک از منظر نمایشی، تا کنون^۲ پژوهش‌های متمرکز صورت نگرفته است. با این وجود، از شمار پژوهش‌هایی که مناسک حج را از دیدگاه‌های نسبتاً تازه‌ای مورد واکاوی قرار داده‌اند، می‌توان موارد زیر را برشمرد. حج مناسک گذار، به قلم رحمت‌الله صدیق سروستانی، با رویکردی همسان با پژوهش حاضر، نخست با نگاه تاریخی و سپس به شکلی منسجم و تحلیلی، مناسک حج را در سه بخش کلیات، اجتماعیات و کارکردها بررسی کرده است. اثربخشی مناسک حج بر سلامت روانی حجاج، به قلم محمدرضا احمدی، پژوهش دیگری است که با رویکردی کمی، به بررسی شمار^۳ قابل توجهی از آرای به دست آمده از حجاج - بر اساس یک پرسشنامه روان‌شناسی - پرداخته است. مقاله بعدی، به قلم آرش نراقی با عنوان گفتاری درباره معنای نمادین حج از منظر عارفان، به شکلی تطبیقی، اشعاری - با مضمون حج - از مولانا را، با محوریت مفهوم خلاف‌آمد عادت مورد بررسی قرار داده است. تفسیر حج در نگارگری اسلامی و نقش آن در همبستگی ملی و وحدت اسلامی، از مهناز شایسته‌فر، عنوان مقاله دیگری است که با مرور نقاشی‌های ایرانی در بازه زمانی سده هشتم تا یازدهم، شماری از نگاره‌های مناسک حج را معرفی کرده است. نهایتاً پژوهش پایانی با عنوان تحلیل کارکردی مراسم و مناسک حج به قلم علیرضا قبادی و پروین علی‌پور، با رویکرد جامعه‌شناختی و تفکیک دو مفهوم باورها و اعمال، برداشتی تازه و قابل تامل از مناسک حج به دست داده است.

۲. مفاهیم کلیدی

۱-۲- آستانگی

برای تعریف این مفهوم، نخست به بررسی آرای نظریه‌پردازان پرداخته و سپس برای انجام فرایند پژوهش، تعریفی کاربردی و حاصل از برآیند این آرا، ارائه می‌شود.



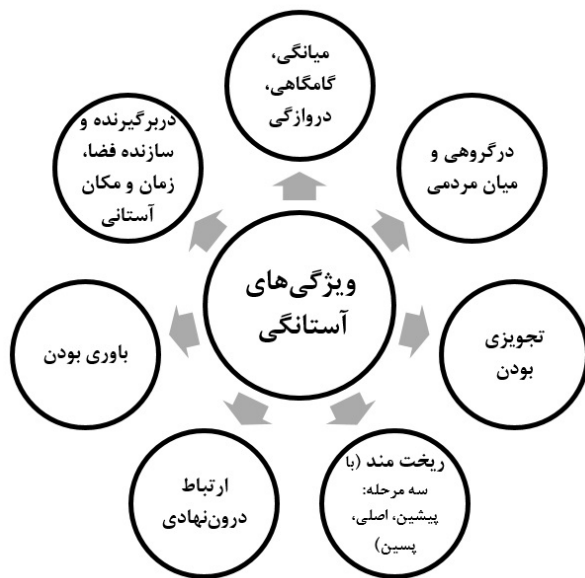
نمودار ۱- تقسیم‌بندی ون گنپ از مراحل یک آیین.

ماخذ: (ترنر، ۱۳۸۱، ۷۰).

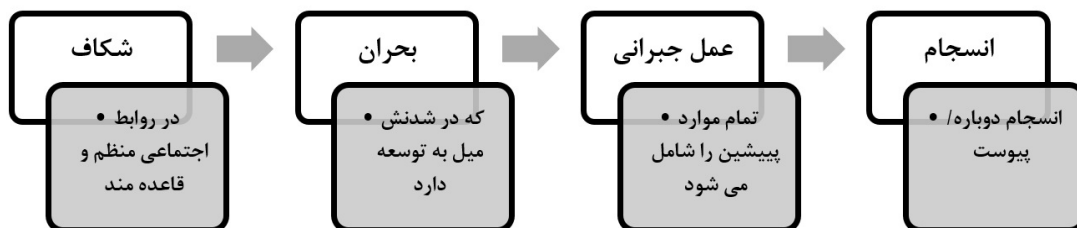
۲-۳- مناسک حج

حج در لغت، به معنای آهنگ و قصد سفر کردن است و در یک تعریف کوتاه، به معنای زیارت کعبه در وقت مقرر با اعمال مخصوص (معین، ۱۳۸۶، ۵۷۲). منظور از مناسک حج در این نوشتار، سلسله اعمالی است که یک شخص مسلمان، بر اساس یک تکلیف شرعی و در صورت داشتن توان کافی، برای رسیدن به خانه خدا در شهر مکه به انجام می‌رساند؛ مناسکی که بنا به گفته قرآن کریم، از زمان حضرت ابراهیم (ع) از جانب خداوند صادر شده و از آن پس ابراهیم مامور شد تا مردم را به آن دعوت کند.^{۱۸}

تحلیلی که در این پژوهش از مناسک حج ارائه می‌شود، بر پایه دو تقسیم‌بندی خواهد بود؛ نخست تقسیم‌بندی مناسک بر اساس مفاهیم: باورها (شامل معارف و حوزه فکر و اندیشه) و اعمال (شیوه‌ای از کنش اجتماعی و مرتبط با رفتار)، چراکه وابستگی این دو به هم و شناخت باورها- چنانکه دورکیم نیز می‌گوید- تنها موط به شناخت مناسک است (دورکیم، ۱۳۸۲، ۴۷). اعمال از باورها مشتق شده و باورها از راه اعمال از فراموش شدن مصون می‌مانند و تقسیم‌بندی دوم بر اساس کارکردهای^{۱۹} مناسک حج، به دو نوع پنهان^{۲۰} و آشکار^{۲۱} صورت می‌گیرد.



نمودار ۳- ویژگی‌های آستانگی با تمرکز بر آرای ترنر.



نمودار ۲- مراحل آیین‌های گذار از دید ترنر.

ماخذ: (ترنر، ۱۳۸۱، ۷۰)

مقدس و نامقدس نیست و نامیده نمی‌شود، که در حصار تابوها (محرمات) بگنجد و ویژگی گنجی یا دورافتادگی به خود بگیرد: کاملاً در گروهی و میان مردمی است و گونه‌ای «دست و پنجه نرم کردن با خود» از سوی فرد متقاضی ورود به طبقه یا جایگاه دیگر و پسین، در جامعه خود است.

۲-۲- تئاتر اکسپدیشن (تئاتر گردشیاختی)

تئاتر اکسپدیشن یا تئاترگردشی و یا به ترجمه نگارنده «گردشیاختی» را، می‌توان فرم یا شکلی از تئاتر دانست که در طول یک سفر (طی کردن)، یک زمان (یا بازه زمانی) و یک مکان (دارای سه نقطه: آغازی، میانی، پایانی) به انجام می‌رسد. ریختاری نوین از سفرهای برنامه‌ریزی شده (صرفاً در شکل اجرا و نه در کیفیت و چگونگی انجام آن توسط مشارکت‌کنندگان) که در جریانی پیوسته و همانند پیمایشی برای یافتن آهنگ‌ها، آیین‌ها، داستان‌ها و دیگر نمودهای یک زیست بوم، به انجام می‌رسد.

همچنین می‌توان تئاتر اکسپدیشن یا گردشیاختی را، یک ماجراجویی دانست که به نام کسانی چون آرتو^{۱۱} (روبرویی تماشاگر با درون خود؛ تئاتر مواجهه)، باربا^{۱۲} (مبادله پایپای و تمرکز بر تمرین‌های آزمایشگاهی)، برشت^{۱۳} (روایت‌گویی، آموزشی)، بروک^{۱۴} (تمرکز بر تجربه مشترک) و گروتوفسکی^{۱۵} (پرهیز از ابزار ماشینی و تمرکز بر رابطه تماشاگر و بازیگر) متصل است (شکنر، ۱۳۸۸، ۲۵۲ و ۲۴۹؛ باربا و نیکولو، ۱۳۹۰، ۳۲۷).

این گونه تئاتری، در دایره واژگان باربا به مثابه یک بده‌بستان یا یک معامله پایپای است؛ مجموعه‌ای از تدارکات، تحقیق و یک سفر (نسبتاً طولانی، برای به دست آوردن: مهارت‌های تعامل (با محیط و دیگران)، حل مسئله و حتی می‌توان آن را گونه‌ای از مطالعات بینا فرهنگی (و شاید) با رویکرد به آموزه‌های سیاسی در مناطقی خاص دانست (Sakowska, 2014, 4).

در پایان اینکه، گردشیاختی، فرایندی پدیدارشناسانه^{۱۶} است که به دلیل دو ویژگی گردش‌گونگی و دریافت همزمان و بی‌واسطه مشارکت‌کننده، می‌توان نام گردشیاختی، و پیش از آن به دلایل: برنامه‌ریزی و تعیین حدود و نقشه اجرایی، هدف از انجام، ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان و مهم‌تر از همه، مطابقت با تعریف آغازین تئاتر^{۱۷}، آن را تئاتر نامید؛ ترکیبی از تئاتر، زندگی و صحنه‌های روزمره‌ای که برای گردشیاختی‌کنندگان، حکم روزمرگی را ندارد؛ چراکه به شکلی پدیدارشناسانه آن را اجرا و در حالت کامل، درک می‌کنند.

۳. بحث و بررسی

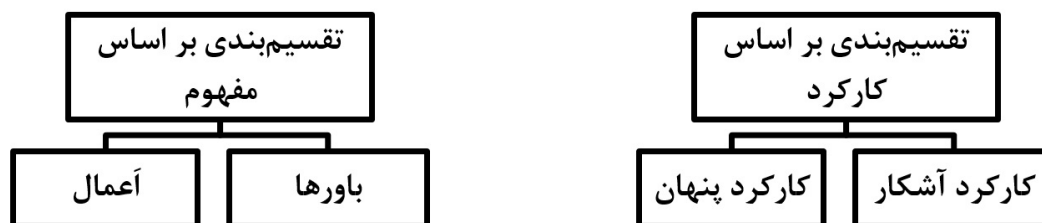
تشکیل می‌شود (Turner, 1979, 468)؛ چراکه به زعم ترنر، آنچه فهم درونی را به شناخت-که بر اساس متون دینی یکی از اهداف حج می‌باشد- تبدیل می‌کند، ساختار است و ریخت‌مندی آیین، چیزی جز قرار دادن فرد شرکت‌کننده در آیین نیست (Ibid, 469).

مهم‌ترین این سه بخش، بخش میانی یا آستانگی است؛ بخشی که فرضیه اصلی نوشتار حاضر بر آن استوار است. اما نخست سیر تمامی اعمال حج یا همان ساختار(ریخت‌مندی) آن در یک نگاه بررسی و سپس، تحلیل در دسته‌بندی سه‌گانه ترنر آغاز خواهد شد. **گام یکم، آغاز یا پیش‌آستانگی:** در این مرحله، زمان و مکان آیینی، مشخصاً از زمان و مکان غیرآیینی جدا شده (همان، ۴۶۸) و فرد ذهن خود را، برای ورود به مرحله جدید آماده می‌کند (موقعیتی که در آن هستیم). آغاز یا پیش‌آستانگی در مناسک حج، مربوط به زمانی است که شخص مسلمان برای دیدن خانه خدا در اصطلاح دینی «نیت» کرده، و قصد سفر را-مانند دیگر فرایض دینی در اسلام- برای نزدیکی هرچه بیشتر به خدا و انجام تکلیف

در این بخش، مراحل اصلی مناسک حج را-فارغ از قواعد، روایات و دیگر مفاهیم دینی مکمل، معمول و مرسوم- برشمرده و به شکلی تطبیقی، چگونگی انجام و اجرای این مناسک را بر اساس ویژگی‌های سه‌گانه‌ای که ترنر از آیین‌ها ارائه داده-یعنی: تجویزی بودن، ریخت‌مندی و باوری بودن- در سه گام ارزیابی خواهیم کرد. همچنین می‌توان برای سهولت در ارزیابی، مناسک حج را بر اساس تغییر زمانی، مکانی و نوعی یک عمل، به شش مورد یا گام تقسیم کرد^{۲۳} (فلاح‌زاده، ۱۳۷۴، ۶۰).

۳-۱- ریخت‌مندی مناسک حج

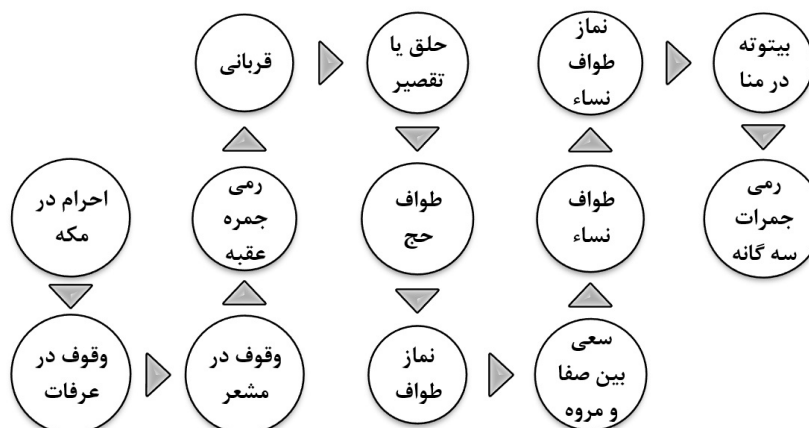
منظور از ریخت‌مندی، حرکت گام به گام و دارا بودن حالت‌های سه‌گانه آستانگی در یک عمل آیینی است. فرایندی که از سه بخش آغاز یا پیش‌آستانگی^{۲۳}، میانه یا آستانگی^{۲۴} و پایان یا پس‌آستانگی^{۲۵}



نمودار ۴- تقسیم‌بندی مناسک حج.



نمودار ۵- سیر اعمال حج بر اساس تغییرات زمانی، مکانی و نوعی.



نمودار ۶- سیر اعمال حج.

مسیر حج آموخته، خواهد بود. در غیر این صورت، الزام و تاکید انجام حج، الزامی بیهوده تلقی می‌گردد که تنها جنبه اقتصادی و تجاری اش، آن را (به لحاظ تاریخی) تا به امروز حفظ کرده است.

چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، به دلیل مرتبه‌ای و مرحله‌ای بودن مناسک حج، یک نقطه آغاز کلی (آغازگاه مناسک) و چند نقطه آغاز جزئی (به شمار تمام مراحل پیش‌رو) خواه ناخواه به وجود می‌آید. به همین نسبت، نقاط آستانگی کلی، جزئی و متعددی نیز پدید می‌آید، اما با این تفاوت که کنشگری اصلی افراد، در این مرحله (آستانگی) رخ می‌دهد؛ به عبارت دیگر، کنشگری در مناسک حج- همچون آیین‌هایی که فرد را در جامعه خود به طبقه‌ای بالاتر می‌رساند- به واسطه قوانین و محرمات^{۲۶} و نیز به واسطه حضور افراد در زمان، مکان و فضاهای گوناگون (و آستانه‌ای)، به وجود می‌آید. به زعم ترنر، افراد در این مرحله دستخوش تغییری مثبت به منظور عبور از یک بحران- یعنی جدایی از شخصیت حقیقی و حقوقی خود به واسطه قواعد حاکم بر مناسک- می‌شوند. تغییری که نخستین نمود آن را در مناسک حج، می‌توان در آغاز راه دانست: زمانی که افراد در مکه محرم^{۲۷} می‌شوند و تمام تن‌پوش‌های دوخته‌شده (برای مردان) و غیر حریر (برای زنان) خود را، از تن درآورده و به جای آن تن‌پوشی دیگر (دوتکه برای مردان- معمولی و نه گرانبها، برای زنان) را جایگزین می‌کنند (فلاح‌زاده، ۱۳۷۴، ۴۲). این رهایی از تن‌پوش همیشگی و مرسوم، همزمان می‌شود با ذکر^{۲۸} ویژه‌ای که همراه با پوشش تازه، به زبان می‌آورند و نیز، سازنده موقعیتی است که در آن، رهایی از تن‌پوش (در تفسیر دینی)، نوید رهایی از تن (دوری از خود مرسوم و شناخته‌شده در جامعه) را به افراد می‌دهد. این دگرگونی، نشان‌دهنده نوعی بازگشت به اصول آغازین حیات (و حتی یادآوری آدم و داستان رانده‌شدنش از بهشت و نوع پوشش او) و بهره‌وری از اندوخته‌های افرادی است که هر یک در تجربه شخصی خود، به گذشته و نشانه‌های آشنای آن بازگشت می‌کنند. همچنین است در دو آستانه بعدی (هریک به فاصله یک شب)، که در دو فضای آستانگی متفاوت، با وقوف در عرفات و مشعر الحرام ایجاد می‌شوند. دو مرحله‌ای که به واسطه ویژگی‌های زمانی و جغرافیایی خاص، زمینه‌ساز اعمال بسیار مهمی در منا می‌شوند؛ آستانگی متبلور در فضا و زمان، در حرکت افراد برای انجام اعمالی نمود پیدا می‌کند که هر یک قواعد و محرمات مخصوص به خود را دارد. رمی جمره عقبه، قربانی و حلق یا تقصیر، سه عملی هستند که افراد پیش از بازگشت به مکه، در منا انجام می‌دهند.

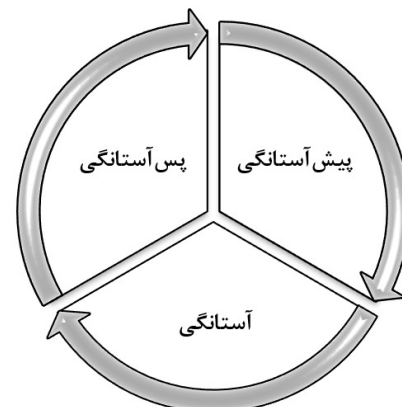
پس از منا، حج‌گزاران به مکه بازگشته و در آنجا پنج عمل دیگر را به انجام می‌رسانند. طواف حج، نماز طواف، سعی بین صفا و مروه، بازگشت به مسجد الحرام برای طواف نساء و نماز آن. سرانجام پایان بخش مناسک حج، بازگشت و بیتوته در منا (برای دو شب) و انجام رمی جمرات سه‌گانه خواهد بود.

گام سوم، پس‌آستانگی: پس‌آستانگی یا پایان، سومین و آخرین گام از مراحل آستانگی، شامل اعمالی می‌شود که ناظر بر بازگشت حج‌گزاران به فضای پایدار و ساختارمند پیش از آغاز مناسک است

دینی خود در ذهن می‌پروراند. نکته الزام‌آور این آغازگاه، جنبه تکلیفی بودن این فریضه است؛ چراکه در صورت انجام ندادن این عمل (نیت‌کردن)، کلیه اعمالی که تا اتمام مناسک توسط فرد به عنوان یک تکلیف دینی انجام می‌شود، پذیرفته نخواهد شد. چراکه انجام اعمال، از نیت او (برای نزدیکی به خدا) برنیامده است (فلاح‌زاده، ۱۳۷۴، ۲۵ و ۴۲). هرچند که بر اساس تقسیم‌بندی کارکردها در صفحات گذشته، بسیاری از کسانی که با آگاهی به این مسئله، به سفر حج می‌روند اما، کارکرد مناسک برای این دسته از افراد، به دلیل متمرکز نبودن بر نیت و نداشتن قصدی برای ادای تکلیف شرعی، در رسته کارکردهای پنهان حج قرار گرفته و از موضوع این پژوهش خارج می‌شود.

اما نیت‌کردن، تنها در بخش پیش‌آستانگی مناسک حج وجود ندارد؛ مسافران مناسک در آغاز هر یک از اعمال حج، به نوعی خود را آماده انجام آن عمل کرده و سپس گامی به پیش می‌نهد. بر این اساس، پایان هر عملی در مناسک، نقطه آغازین، زمینه‌ساز و به اصطلاح ترنر، پیش‌آستانه‌ای است برای مرحله بعدی.

گام دوم، میانه یا آستانگی: در این مرحله که (هم‌رای با ترنر) می‌توان آن را مهم‌ترین مرحله در این سه گام خواند، افراد وارد دوره‌ی گذرا، اما مبهم و گنگی می‌شوند که گویی در آن همه چیز به تعلیق درآمده است (Turner, 1979, 468)؛ دوره‌ای که در آن مسافر حج، دیگر وارد مرحله اجرایی مناسک شده و در آن، معنای درمیان‌بودگی و به عبارت دیگر، آستانگی را درمی‌یابد. اما برخلاف عنوان کردن ویژگی بی‌مسئولیتی و رهایی از قواعد و قوانین توسط ترنر (۱۹۷۴، ۲۶)، مسافر حج، به واسطه قوانین حاکم بر چگونگی اجرای اعمال مناسک، دچار نوعی از مسئولیت‌پذیری در برابر خود و طبیعت می‌شود. مسئولیتی که جنبه‌های سلبی آن، بر جنبه‌های ایجابی اش برتری و چیرگی دارد؛ گاه در ممانعت از کشتن هر جاننداری نمود پیدا کرده و گاه در یک عمل (تقصیر). بی‌تردید فردی که وارد مناسک حج می‌شود، بر اساس جایگاه و پیش‌انگاشتی تجربه‌شده (به واسطه آموزش‌هایی که قبل از حضور در سفر حج به او داده می‌شود) اعمال را انجام می‌دهد، با این تفاوت که، تجربه او در جایگاه یک متشرف، تجربه‌ای پدیدارشناسانه است و بر این اساس تجربه‌ای متفاوت از دیگری و از آنچه تا پیش از ورودش به



نمودار ۷- حالت‌های سه‌گانه آستانگی در یک عمل آیینی.

به تحقیق می‌توان گفت، هفت مکان اصلی شامل: کعبه، عرفات، مشعرالحرام، حدفاصل صفا و مروه (در گستره شهر مکه) و قربانگاه، تقصیرگاه، مکان رمی جمرات (در گستره منا) وجود دارد و برای انجام هر یک از اعمال در این هفت مکان، زمان معینی تخصیص داده شده است.

کعبه، در جایگاه قبله مسلمانان و مهم‌ترین نماد وحدت آنان، به دلیل تقدس و پیشینه تاریخی‌اش، محوری‌ترین مکان در مناسک حج قلمداد می‌شود. از مجموعه اعمال یادشده، احرام، طواف و نماز طواف، طواف نساء و نماز آن، در اطراف کعبه انجام می‌گیرد. همچنین زمان مشخص و چگونگی هر یک از اعمال مختص این مکان را، می‌توان به این شکل نشان داد:

در عرفات، که بیابانی است وسیع و مسطح در جنوب شرقی مکه، مسافران حج لازم است از طلوع آفتاب تا غروب روز نهم ذی حجه در آنجا بمانند؛ در دستورات و احکام دینی، انجام کار واجبی در این مکان در نظر گرفته نشده است (فلاح‌زاده، ۱۳۷۴، ۴۱). همچنین است در مشعرالحرام، اما در بازه زمانی متفاوت (در عید قربان) و نهایتاً آخرین مکان از گستره مکه یعنی حدفاصل بین صفا و مروه، توسط مسافران حج در هفت نوبت پیموده می‌شود. بازه زمانی این سعی، پس از نماز طواف آغاز می‌شود و شرایط اجرایی مخصوص به خود را داراست.

اما در منا، به عنوان گستره مکانی دوم در مناسک حج، اعمال: قربانی، تقصیر، رمی جمرات و نهایتاً بیتوته انجام می‌گیرد. قربانی پس از نخستین پرتاب سنگ به جمره عقبی (ستون سوم از سه ستون منا)، و با رفتن افراد به قربانگاه انجام می‌گیرد؛ در قربانگاه فرد مسافر، طبق احکام قربانی کردن، حیوانی را که شرایط قربانی شدن را داشته باشد، قربانی می‌کند. سپس مرحله بسیار مهم حلق (تراشیدن موی سر) و یا تقصیر (کوتاه کردن مو و ناخن‌ها)، انجام گرفته و از آن پس محرّمات احرام، از آنها برداشته شده و می‌توانند مانند پیش از احرام به آنها دسترسی داشته باشند. سرانجام رمی جمرات، یعنی پرتاب هفت سنگ به سه ستون سنگی، آخرین مرحله از بیتوته مسافران در منا بوده و خروج آنها از منا، پایان بخش مناسک حج است.

(Turner, 1979, 468). پس از پایان مناسک، مسافران حج به شهر یا کشورهای خود بازگشته و خود تغییر یافته را - در صورت تغییر یافتگی حقیقی - به دیگر هم‌کیشان خود و نیز به خود، عرضه می‌کنند. این عرضه داشت را می‌توان در دسته‌بندی تازه‌ای با عنوان «بازآستانه‌سازی» یا «بازآستانگی» قرار داد؛ مرحله‌ای که شناخت پدیدارشناسانه مسافر حج، توسط خودش مورد ارزیابی قرار گرفته و از منظر دینی، به مرحله‌ای فراتر و انسانی کامل تر ارتقاء می‌یابد. هر چند که به دلیل موضوعیت نداشتن این بخش از مراحل سه‌گانه آستانگی، نمی‌توان بیش از این درباره این مرحله سخن گفت، اما توجه به این نکته مهم، بسیار ضروری می‌نماید که ترفیع جایگاه اجتماعی و دینی حج‌گزار از دیدگاه خود فرد، تنها منوط به ارزیابی پدیدارشناسانه فرایند حج بوده و در غیر این صورت، فرایند حج صرفاً از منظر جامعه پذیرا (؟)ی فرد و آن هم به شکلی ظاهری انجام خواهد پذیرفت. طرفه آنکه، دگرگونی بیرونی و طبقاتی (به لحاظ جامعه‌شناختی) در فرد بدون شناخت خویش توسط حج‌گزار میسر است، اما دگرگونی درونی بدون این شناخت، نه.

۳-۲- فضا^{۲۹}، زمان^{۳۰} و مکان^{۳۱} آستانگی

برای بررسی مفهوم آستانگی در مناسک حج، می‌بایست شرایط امکان این مفهوم را مورد بررسی قرار دهیم. چراکه در صورت وجود این شرایط است که امکان پیدایی آستانگی فراهم می‌شود. چنانکه گفته شد، حج در یک تعریف کوتاه عبارت است از زیارت کعبه در وقت مقرر با اعمال مخصوص (معین، ۱۳۸۶، ۵۷۲). بنابراین تعریف می‌توان دریافت که برای رسیدن به کعبه (به عنوان یک مکان)، می‌بایست از مکان یا مکان‌های معین و همچنین بر اساس دستور دین، در زمان یا زمان‌های معینی، مسیر مشخصی را پیمود. پس دست‌کم در آغاز راه، یک مکان به عنوان مقصد، یک زمان غیرقابل تغییر (در ماه ذی حجه) و به تبع این دو، یک فضای دربرگیرنده این زمان و مکان، در مسیر مناسک حج وجود دارد؛ که از این پس به هر یک از این سه، پسوند آستانگی را به دلیل مهیا کردن شرایط امکان آستانگی در مناسک حج، می‌افزاییم. حال بر اساس تقسیم‌بندی مناسک که در آغاز این بخش آمد،

جدول ۱- اعمال مناسک، در گستره مکانی کعبه^{۳۲}.

اعمال	مکان	زمان	چگونگی
احرام	در یکی از میقات‌های حج مثل مسجد شجره یا ...	تا قبل از ظهر روز نهم ذی حجه	پوشیدن تن پوش تازه
طواف	محوطه کعبه	پس از اعمال منا، تا پایان ماه ذی حجه	هفت مرتبه دور کعبه چرخیدن، آغاز و خاتمه از گوشه شرقی حجرالاسود.
نماز طواف	در هر جایی که عرفا بگویند پشت مقام است	بعد از طواف، قبل از سعی	دو رکعت به نیت نماز طواف
طواف نساء	محوطه کعبه	پس از انجام سعی	به نیت طواف نساء، هفت مرتبه دور کعبه چرخیدن
نماز طواف نساء	در هر جایی که عرفا بگویند پشت مقام است	پس از انجام طواف نساء	حلال شدن محرّمات احرام

مشاهده کرد؛ یعنی چارچوب اجرایی و برآمده از احکام در مناسک، به صورت بالقوه و بالفعل، نمایانگر تجویزی بودن و به تبع آن، لزوم ساختاری برای این تجویز است.

در مقوله باورمندی، باید از گفته ترنریاد کرد که پدیده‌ها و مراسم آیینی و مراحل آنها، تنها از سوی کسانی ادراک می‌شود، که به تأثیرات هستی‌شناسی این مراسم و مناسک-از منظری ماهوی و هستی‌شناختی- باور دارند (ترنر، ۱۳۸۱، ۷۱). به تعبیر دیگر، در صورت همراه نبودن عنصر باورمندی، اعمال انجام شده توسط افراد شرکت‌کننده در آیین، هرگز جنبه تأثیرگذار خود را نیافته و جاودانگی نخواهند داشت. چراکه بقای باورها، منوط به اجرای اعمال برآمده از آن باورهاست؛ در نتیجه، در صورتی که ارتباط درونی بین نهادهای سازنده فضای آستانگی- به عنوان کلیتی منسجم و یکپارچه- وجود نداشته باشد، تمامیت مناسک زیر سوال رفته و هیچ یک از کارکردهای درونی و آشکار اعمال (که نمود عینی باورها هستند) تحقق نیافته و بودن در آستانه (به عنوان مهم‌ترین بخش تحلیلی یک آیین و پژوهش حاضر)، معنایی جز آستانگی منتج به کمال خواهد داشت.

در نهایت می‌توان برآیند تجویزی بودن، ریخت‌مندی و باوری بودن مناسک را، منتج به ساخت فضایی دانست که در صورت وجود افراد پایبند و معتقد به کلیت فرایندهای آیینی یا شبه‌آیینی (در اینجا مناسک حج) می‌توان آن را فضای آستانگی یا فضای متشکل از زمان و مکان آستانگی، نامید.

۳-۳- حج و گردشیافت

مناسک حج از آغاز تا به انجام، حکم سفری را دارد که مسافران را می‌توان از جنبه‌ها و سنجه‌های گوناگونی دسته‌بندی کرد. با توجه به قدمت و اهمیت این فریضه دینی، و تغییراتی که به واسطه گذر زمان و پیشرفت‌های تکنولوژی در صنعت حمل و نقل و ارتباطات به وجود آمده، در اصول و اعمال حج تغییر بنیادینی رخ نداده است و تغییراتی که رخ داده را می‌توان نتیجه اتخاذ

نکته مهم و محوری در مکان و زمان آستانگی، در «بودن» یا «سکنی‌گزیدن» در یک بازه زمانی و یک بخش مکانی نهفته است؛ با در نظر گرفتن همزمان برنامه‌ریزی زمانی و نوع اماکن و مسیرهای مناسک مورد بررسی- مناسک حج- و گوناگونی حج‌گزاران- به لحاظ قومی و ملیتی- می‌توان شاهد ارتباطات معنادار نشانه‌شناختی و نمادینی برای ساخت فضاهای منجر به دگرگونی مشارکت‌کنندگان بود.

وقوف در بیابان (عرفات و مشعر)، به عنوان جایگاهی ناشناخته و ساخته شده برای شناخت (نیز در ساحت واژگانی: عرف به معنی شناخت) و رهایی از امکانات رفاهی و تمامیت زندگی پیش از ورود به مناسک، بدون انجام عمل یا اعمالی تجویزی، فرصتی برای اندیشیدن به مسیر پیش رو برای مسافران فراهم می‌آورد. بودباش یا سکنی‌گزینی که شکل دیگر آن را، در پیمودن حداقل دو مکان دیگر- صفا و مروه- شاهدش هستیم. دو مکانی که علاوه بر یادآوری کوشش هاجر (مادر اسماعیل و همسر ابراهیم (ع)) برای به دست آوردن آب (و ارزش‌گذاری بر آب به عنوان نجات‌بخش آدمیان در بیابان، هم؛ در تعریف جغرافیایی و هم در تعریف اندیشگانی اش، که نیاز به وجودی برین [خداوند] را نشان می‌دهد) کنشی است برای ارج نهادن به زندگی، که بدون «سعی» و «کوشش» میسر نخواهد شد. چنین کار و کوششی در گستره مکانی دیگر- منا- نیز وجود دارد؛ ارجاع به گذشته (خواست خداوند برای قربانی کردن اسماعیل)، بری شدن از زواید (حلق یا تقصیر) و دوری از خود نفسانی و اهریمنی (رمی جمرات) که همگی منتهی به واپسین بیتوته حج‌گزاران در منا شده و نهایتاً پایان مناسک گذار، از خود به خود تغییر یافته است. اما فضای آستانگی؛ طبق آنچه تاکنون از فرایند اجرایی مناسک در سنجه‌های زمانی و مکانی گفته شد، می‌توان کلیت اعمال مناسک را در یک فضای آستانگی نخستین- شامل سه مرحله پیشنهادی ترنر: تجویزی بودن، ریخت‌مندی و باوری بودن - و دلایلی که از پی می‌آید، در نظر گرفت. نمود هر یک از دو مرحله آغازین را می‌توان به راحتی در احکام حاکم بر نحوه اجرای قوانین

جدول ۲- مقایسه پیشنهادهای استانیه و سکی با کارکنش‌های مناسک حج.

پیشنهادهای استانیه و سکی	کارکنش‌های مناسک حج
۱ ترک شهر و نه فقط ساختمان تئاتر (تماشاخانه)	ترک محیط‌های شهری توسط مسلمانان و رفتن به سرزمین خشک و بیابانی عربستان
۲ مخاطب قرار دادن مردم، بینندگان، مصرف‌کنندگان؛ کسانی که به رفتار و کلیشه‌های روزمره آلوده نشده‌اند.	مخاطب قرار دادن سه دسته از افراد: خود (از منظر پدیدارشناختی)، مسافر دیگر (به عنوان یک همراه و یک مسافر)، مردم عادی (کسانی که مستقیم و غیرمستقیم در جایگاه مخاطب قرار می‌گیرند). ^{۳۶}
۳ ورود به فضایی که ناشناخته است یا فضایی که تئاتر آن را رها کرده ^{۳۷}	ورود به فضایی؛ شناخته شده (به لحاظ آموزش‌های دینی پیش از سفر) و ناشناخته (به واسطه شخصی بودن تجربه هر مسافر)
۴ اولویت دادن رابطه هم‌زیستانه تئاتر با محیط روستایی [محیط گردشیافت]	احکام مناسک، برای احترام به ملیت‌های گوناگون (از تمامی نژادها) و طبیعت (ممنوعیت کشتن جانداران) تدارک دیده شده
۵ گزینش کاملاً سخت گیرانه مکان	مکان‌ها از پیش گزینش و تثبیت شده‌اند
۶ انتخاب زندگی و کارکردن در کنار فرهنگ‌های زیست‌بوم مقصد	با نیت‌کردن افراد برای سفر حج، انتخاب زندگی - هرچند کوتاه مدت- در سرزمینی دیگر انجام می‌شود.

جدول ۳- مقایسه‌ای میان کیفیت گردشیاقت و مناسک حج.

ویژگی‌ها	تئاتر گردشیاقتی	مناسک حج
سفر	بر اساس سفر به یک زیست بوم	سفر به شبه جزیره عربستان
نقشه سفر	از پیش تعیین شده	از پیش تعیین شده
زمان معین	از پیش تعیین شده (قابل تغییر)	از پیش تعیین شده (غیر قابل تغییر)
مکان معین	از پیش تعیین شده	از پیش تعیین شده
کنش در گروه	بر پایه شناخت درونی افراد از خود و محیط (تسلط فرد بر کنش درونی و بیرونی)	برنامه ریزی شده (کنش بیرونی: اجرای مناسک)، تسلط فرد بر کنش درونی
ماهیت پدیدارشناختی	مبتنی بر کنش پدیدارشناسانه	مبتنی بر کنش پدیدارشناسانه و احکام اجرایی
آگاهی پیشینی مشارکت‌کنندگان	به اندازه توان درک مخاطب و نسبت به زیست بوم مقصد تعیین می‌شود	بر اساس آموزه‌های دینی فرد مسلمان تعیین می‌شود
نقش زیست بوم	متغیر، تاثیرگذاری بسیار	غیر متغیر، تاثیرگذاری بسیار
مخاطب	تمامی مشارکت‌کنندگان ^{۸۳} و مخاطبان گردشیاقت	تمامی مشارکت‌کنندگان و مخاطبان مراسم (به واسطه پخش از رسانه‌ها)

مرکزی^{۳۴} که در عمر نه چندان طولانی خود-حدوداً ۳۶ سال- و در قالب برنامه‌هایی با عنوان «کارورزی‌های تئاتری»، تعداد انگشت شماری^{۳۵} اکسپدیشن یا گردشیاقت را به انجام رسانده، یاد کرد. استانیه‌وسکی در سخنرانی خود (۱۹۷۹)، پیش‌نیازهایی که یک بازیگر برای انجام کارورزی‌های تئاتری (در اینجا به مثابه ویژگی‌های تئاتر اکسپدیشن از دید استانیه‌وسکی) به آنها نیاز دارد را بیان کرده که همزمان به مقایسه آنها با کارکنش‌ها و اعمال مناسک حج نیز پرداخته می‌شود (جدول ۲).

برپایه تقسیم‌بندی‌هایی که از مناسک حج و تعریف‌هایی که از تئاتر اکسپدیشن در صفحات پیشین ارائه شد، می‌توان مقایسه‌ای میان کیفیت ویژگی‌های هر یک از این دو مقوله انجام داد (جدول ۳).

رویکردهای گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی- و در جزئیات مناسک- دانست. همین دگرگونی‌ها را نیز می‌توان در سیر تحول گونه‌های هنری (در اینجا شیوه‌های اجرایی تئاتر)، با ریکتارهای کم و بیش یکسان- و البته نه در نتایج- مشاهده کرد. یکی از این ریکتارهای نوین در عرصه تئاتر، ریکتار اکسپدیشن یا گردشیاقت است؛ ریکتاری که در بخش مفاهیم کلیدی تعریفی به اندازه دسترسی به منابع و به اندازه عمر نه چندان طولانی آن و قطعاً به اندازه حوصله این نوشتار، از آن ارائه شد. اما می‌توان برای درک نسبت گردشیاقت و مناسک حج (به طور همزمان)، از بیانیته یکی از پیش‌تازان گونه اکسپدیشن، یعنی ولوجیم استانیه‌وسکی^{۳۳} به عنوان بنیادگذار و کارگردان هنری در

نتیجه

با توجه به مقایسه‌های انجام شده، می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌های ممیز مناسک را در موارد زیر خلاصه کرد: چگونگی اجرای احکام حاکم، کارکردهای پنهان و آشکار، بازگشت‌پذیری تغییرات اعمال شده در سراسر کارکنش‌ها، اولویت تغییرات درونی مشارکت‌کنندگان بر تغییرات ظاهری آنان، حذف شاخصه سن و جنسیت افراد برای مشارکت، قطعی و غیرقابل تغییر بودن زمان و مکان برگزاری، اولویت سویه‌های پدیدارشناسانه بر سویه‌های تجویزی و احکام، تکرارپذیری، برگزاری بی وقفه از آغاز شکل‌گیری تا به امروز، مشارکت سیاسی و اقتصادی حکومت‌ها و نژادهای گوناگون.

پ) اصلی‌ترین شیوه (های) تاثیرگذاری مفهوم آستانگی در شکل‌گیری کنش‌های نمایشی، شبه‌نمایشی و یا اجتماعی یک جامعه (با تمرکز بر شرکت‌کنندگان در مناسک حج) چیست؟

نخست پاسخ به سه پرسش آغازین پژوهش:

الف) نسبت مناسک حج و مفهوم آستانگی، با تمرکز بر چه ویژگی‌هایی و تا چه میزان، قابل تطبیق و تحلیل است؟

این نسبت را می‌توان بر اساس تقسیم‌بندی سه‌گانه ترنر (تجویزی بودن، ریخت‌مندی، باورمندی) از رفتارهای آیینی و شبه آیینی، تقسیم‌بندی مناسک بر اساس مفهوم (باورها و اعمال) و کارکرد (پنهان و آشکار) و نهایتاً بر پایه سه زیرشاخه مفهوم آستانگی (مکان آستانگی، زمان آستانگی، فضای آستانگی) مورد ارزیابی قرار داد. اما میزان سنجش هر یک از این مفاهیم با توجه به هدف‌گذاری و گستره آن، متغیر بوده و می‌باید با در نظر گرفتن چارچوب‌های حاکم بر هر دو مقوله، به صورت غیرالصافی و غیرانتسابی انجام گیرد.

ب) مهم‌ترین ویژگی‌های ممیز «مفهوم آستانگی» در مناسک حج با دیگر مناسک آیینی/اجتماعی چیست؟

از مشارکت‌کنندگان، در خانواده (در مقیاس خُرد) و جامعه (در مقیاس کلان) گسترش می‌یابد؛ نتیجه‌ای که انجامی بودنش، منوط به دریافتی است که مشارکت‌کنندگان، به شکلی قابل حصول و درک، در مسیر انجام مناسک از کفر و سلسله مراتب آن مبرا شده باشند.

همچنین می‌توان مناسک حج را با تعریف ترنر از آستانگی - در تعریف غیرقبیله‌ای آن و به کیفیت ارتباطی و درونی نهادهای سازنده - همسان دانست و بر این اساس فرضیه اصلی پژوهش در سوبه انطباقی رد شده و در دوسوبه دیگر (مشابهت و همسویی) به اثبات می‌رسد. نیز، می‌توان برآیند قیاس گردشیاقت و مناسک حج را - با دیدگاهی پدیدارشناسانه - در قالب (اجرا) همسان و در محتوا (انگیزشی و هدف‌گذاری) ناهمسان دانست.

شیوه‌های تاثیرگذاری آستانگی را می‌توان در شاخص‌های زیر خلاصه کرد: فردی (به صورت‌های: مستقیم از طریق مشارکت پدیدارشناختی - و غیرمستقیم از طریق مشاهده دیگر مشارکت‌کنندگان)، اندیشگانی (در دو مرحله پیش‌آستانگی و آمادگی برای شرکت و پس‌آستانگی و به‌کارگیری نتایج در زندگی پس از انجام مناسک)، تبلیغی (استمرار منتج به پایداری مناسک و جلب گروندگان جدید به دین اسلام)، انتقادی (ارزیابی و سنجش چرایی و چگونگی انجام مناسک)

در نتیجه می‌توان مناسک حج را، دربردارنده مراحل آستانگی کلی و جزئی، همراه با مشتقات مکانی، زمانی و نوعی دانست. مشتقاتی که به واسطه وجودشان، فضاهای آستانگی گوناگون به وجود آمده و در فرایندی شناختی، توسط هر یک

پی‌نوشت‌ها

تقسیم‌بندی پایه‌ای بوده و کارکردهای دیگر مناسک حج - نمادی، آموزشی، تحمل‌پذیری، تفریح اجتماعی، انتظام بخشی، پیوند بین نسلی و ... زیرمجموعه تقسیم‌بندی یادشده قرار می‌گیرند.

۲۰ Latent Function: شامل معاملات، خرید و فروش و تجارت. (منظور انجام کارهای ضمنی و حاشیه‌ای است.)

۲۱ Manifest Function: شامل کلیه اعمالی که در مناسک انجام می‌گیرد. (منظور انجام کارهای اصلی و تثبیت شده مناسک است.)

۲۲ گام‌های در نظر گرفته شده، بر اساس سلسله‌اعمالی است که یک مسلمان، بر اساس قواعد و احکام حاکم بر حج تمتع به انجام می‌رساند و اعمال حج عمره - در عین شباهت در اعمال اصلی - دارای تفاوت‌های آشکار، زمانی، مکانی و اجرایی است.

23 Pre-Liminality.

24 Liminality.

25 Post-Liminality.

۲۶ محرمت‌اعمالی هستند که فرد زائر باید تا پایان اعمال خود از آنها پرهیز کند. مجموع ۲۴ کار حرام که ۴ کار فقط برای مردان و ۲ کار فقط برای زنان بوده و باقی کارها برای مرد و زن یکسان هستند (فلاح زاده، ۱۳۷۴، ۲۸ و ۲۷).

شکار حیوان صحرائی - آمیزش یا هرگونه استفاده شهوانی دیگر - عقد کردن - استمنا - استعمال عطریات - سرمه کشیدن - نگاه کردن در آینه - فسوق (دروغ گفتن و فحش دادن و فخر فروشی) - جدال - کشتن جانورانی که در بدن ساکن می‌شوند - انگشتر به دست کردن برای زینت - روغن مالیدن به بدن - زدودن مواز بدن - بیرون آوردن خون از بدن - ناخن گرفتن - کندن دندان - کندن گیاه یا درختی که در محدوده حرم روییده باشد - سلاح همراه داشتن	محرمت‌ها مشترک
پوشیدن جامهٔ دوخته - پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بگیرد - پوشاندن سر - سایه قرار دادن بالای سر	محرمت‌ها مردان
پوشیدن زیور برای زینت - پوشاندن روی خود با نقاب و روبنده	محرمت‌ها زنان

۲۷ احرام یا محرم شدن یعنی پوشیدن تن پوش ویژه حج، در شهر مکه، از ظهر روز نهم ذی حجه (فلاح زاده، ۱۳۷۴، ۴۲).

1 Liminality.

۲ زمان نگارش این مقاله.

۳ ۲۲۵۰۰ نفر.

4 Arnold Van Genep (1873-1957) مردم شناس آلمانی

5 The Rites of Passage (1909).

6 Victor Turner (1920-1983) انسان شناس انگلیسی

7 Interstructural Situation (موقعیت درون ساختاری / میان ساختاری)

۸ نظریه اجرا، انتشارات سمت: ۱۳۸۸.

9 Rites of Passage.

۱۰ Theatre Expeition. منابع این بخش - تئاتر اکسپدیشن - برگرفته

از پایگاه‌های اینترنتی زیر و مقالاتی است که نام‌شان در بخش پایانی این نوشتار ذکر شده است.

• <http://www.femalerituals.blogfa.com/post/>

• <http://www.ulyssesstheater.com/index.php/2014-01-25-04-53-48-53/48-2014-06-11-20-53-43-persian/>

• <http://urd.ac.ir/fa/cont/993>.

11 Antonin Artaud (1896-1984).

12 Eugenio Barba (1936 -).

13 Bertolt Brecht (1898-1965).

14 Peter Brook (1925 -).

15 Jerzy Grotowski (1933-1999).

۱۶ به زعم میلون، پدیدارشناسی عبارت از کوششی است منظم که ذهن ما را از فرضیات قبیل پاک می‌کند (میلون، ۱۳۵۲، ۲۸)؛ وظیفه‌اش، تحلیل و بررسی محتوای آگاهی است (خاتمی، ۱۳۸۷، ۵۵)؛ قلمرواش در عمل نامحدود بوده و نمی‌توان آن را در محدوده علم خاصی قرار داد (دارتیک، ۱۳۷۳، ۳) و شاید بتوان آن را با دو کارویژه (صفت) کلیدی اینچنین تعریف کرد: فلسفه‌ای که باید گستردگی متافیزیک و دقت علم را داشته باشد؛ برای درک بی‌واسطه، برای شناخت متکی بر انکون پدیدار، برای شناختی از نوع شناسه یا پدیدار مورد نظر و دریافت چپستی، چرایی و چگونگی (پدیداری) یک پدیدار (به نقل از مقاله: پدیدارشناسی مکان در یک نمایشنامه از محمد رضایی راد، با رویکردی به آثار گاستون باشلار در کتاب بوطیقای فضا، به قلم علی رویین).

۱۷ الف در نقش ب در حال که پ او را تماشا می‌کند.

۱۸ قرآن کریم، سوره حج، آیات ۲۶ تا ۲۹.

۱۹ لازم به ذکر است، تقسیم‌بندی ارائه شده از کارکردهای مناسک حج،

فلاح زاده، محمدحسین (۱۳۷۴)، *راهنمای مصور حجاج*، چاپ دوم، نشر مشعر، تهران.

قبادی، علیرضا و پروین علی پور (۱۳۹۱)، تحلیل کارکردی مناسک دینی، *دوفصلنامه علمی تخصصی اسلام و علوم اجتماعی*، سری ۴، شماره ۸، صص ۷۴-۹۲.

نراقی، آرش (۱۳۸۸)، گفتاری درباره معنای نمادین حج از منظر عارفان، *کتاب ماه دین*، شماره ۱۴۶، صص ۸۰-۷۳.

هاج، آلیسون (۱۳۹۳)، *آمورش و پرورش بازیگر در قرن بیستم*، ترجمه دانشور، براهیمی و اخگر، چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران.

Crosby, J (2009), *Liminality and the sacred: discipline building and speaking with the other, Liminalities: A Journal of Performance Studies: Liminalities*, Department of Communication, University of South Florida, 5(1), pp.1-19.

Sakowska, A (2014), *The Many Languages of the Avant-Garde, In conversation with Grzegorz Bral of Teatr Pieśń Kozła (Song of the Goat Theatre), Multicultural Shakespeare*, 11 (26), pp.45-63.

St John, G (2008), *Victor Turner and contemporary cultural performance: An introduction, Victor Turner and contemporary cultural performance*, Berghahn Books, New York, 1-37.

Turner, V (1974), *Dramas Sociales Y Metaforas Rituales*, Cornell University Press, Ithaca.

Turner, V (1979), *Frame, flow and reflection: Ritual and drama as public liminality, Japanese Journal of Religious Studies*, pp. 465-499.

Van Gennep, A; Vizedom, M. B & Caffee, G. L (1960), *The rites of passage*, trans, University of Chicago Press, USA.

Westerveld, Judith (2010), *liminality In Contemporary Art*, Amsterdam.

(بازدید در ۱۴/۸/۹۵) <http://www.femalerituals.blogfa.com/post/>
 (بازدید در ۱۴-01-25-04-53-50/8-persian/2014-01-25-03-48-53/48-2014-06-11-20-53-43) <http://www.ulyssesstheater.com/index.php/2014-01-25-04-53-50/8-persian/2014-01-25-03-48-53/48-2014-06-11-20-53-43>
 (بازدید در ۱۴/۸/۹۵)

(بازدید در ۱۴/۸/۹۵) <http://www.urd.ac.ir/fa/cont/993>
 (بازدید در) <http://www.liminality.org/about/whatisliminality/>
 (۱۴/۸/۹۵)

(بازدید در ۱۴/۸/۹۵) <http://www.ozarkactorstheatre.org/performing-arts-series/performing-arts-series-archive/the-expedition-show.html>
 (بازدید در ۱۴/۸/۹۵)

(بازدید در ۱۴/۸/۹۵) <http://www.expedition-metropolis.de/>
 (بازدید در ۱۴/۸/۹۵) <http://www.owendaly.com/jeff/grottdir.htm/>
 (بازدید در ۱۴/۸/۹۵) <http://www.infopoland.buffalo.edu/web/arts.culture/theater/grotowski/Boros.shtml>

(بازدید در ۱۴/۸/۹۵) <http://www.polishculture-nyc.org/?siteid=217&itemcategory=35076&priorId=35073>. (بازدید در ۱۴/۸/۹۵)

(بازدید در ۱۴/۸/۹۵) <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/19443927.2012.735441?journalCode=rtdp20>.

(بازدید در ۱۴/۸/۹۵) <http://hajj.ir/21/12125/>
 (بازدید در ۱۴/۸/۹۵) http://www.gerritrietveldacademie.nl/files/scriptie2011/BK/BK_Westerveld.pdf

(بازدید در ۱۴/۸/۹۵)

۲۸ «لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک» (همان جا).

29 Space.

30 Time.

31 Place.

۳۲ کلیه مطالب مربوط به قواعد و احکام برگزاری، برگرفته از منابع زیر است:

• فلاح زاده، محمدحسین (۱۳۷۴)، *راهنمای مصور حجاج*، چاپ دوم، نشر مشعر، تهران.

(بازدید در ۱/۸/۱۳۹۵) <http://hajj.ir/21/12125/>

لهستانی (1950 -) Włodzimierz Staniewski

34 Gardzienice.

۳۵ تنها پنج محصول تئاتری در طی بیست سال که همگی آنها از شهرت جهانی برخوردارند.

۳۶ شکندر نظریه اجرا، مخاطب را به دو دسته اتفاقی و مکمل تقسیم می‌کند: مخاطبان اتفاقی (Accidental Audience)، گروهی از افرادی که در قالب اشخاص منفرد یا دسته‌های کوچک به تئاتر می‌روند - اجراهایی که

تبلیغ عمومی شده‌اند و ورود به آنها برای همه کس آزاد است. از مخاطبان مکمل (Integral Audience) هنگامی صحبت به میان می‌آید که آمدن افراد به تئاتر از سراجبار یا ناچاری صورت گیرد یا آن رویداد برای آنان دارای

اهمیت ویژه باشد (اقوام برای شرکت در مراسم عروسی، قبیله برای برگزاری آیین تشریف و مقدمات افتتاح یک پروژه). به بیان دیگر، مخاطب اتفاقی به میل خودش در نمایش شرکت می‌کند در حالی که مخاطب مکمل از

سر ضرورت آیینی این کار را انجام می‌دهد. در واقع حضور مخاطب مکمل، محکم‌ترین گواه در اثبات آیینی بودن اجرا است (شکندر، ۱۳۸۸، ۳۵۱ و ۳۵۱).

۳۷ در اینجا منظور از فضا space، به معنی یک دایره محدود به سنت‌ها و قوانین خشک آیین‌ها نیست؛ بلکه منظور یک area یا یک عرصه تازه است.

۳۸ ترنر می‌گوید افراد مشارکت‌کننده نه تنها کارهایی انجام می‌دهند، بلکه همزمان، کاری را که در حال انجام دانش هستند یا انجام داده‌اند به خود و دیگران نشان می‌دهند (شکندر، ۱۳۸۸، ۳۰۱).

فهرست منابع

قرآن کریم.

احمدی، محمدرضا (۱۳۸۷)، *اثر بخشی مناسک حج بر سلامت روانی حجاج*، *دوفصلنامه تخصصی مطالعات اسلام و روانشناسی*، سری دوم، شماره ۳، صص ۷۳-۴۷.

باربا، یوجینو و نیکولو ساوارز (۱۳۹۰)، *فرهنگ انسان‌شناسی تئاتر*، ترجمه یدالله آقاعباسی، انتشارات سوره مهر، تهران.

ترنر، ویکتور (۱۳۸۱)، *اسطوره و نماد*، کتاب ماه هنر، شماره ۵۱-۵۲، صص ۷۶-۷۰.

دورکیم، امیل (۱۳۸۲)، *صور ابتدایی حیات دینی*، ترجمه نادر سالرزاده، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۹)، *مناسک حج در نگارگری اسلامی و نقش آن در همبستگی ملی و وحدت اسلامی*، نامه پژوهش فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۱۲، صص ۸۸-۶۵.

شکندر، ریچارد (۱۳۸۸)، *نظریه اجرا*، ترجمه مهدی نصرالله زاده، چاپ دوم، سمت، تهران.

صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۷۲)، *حج مناسک گذار، نامه علوم اجتماعی*، جلد ۲، شماره ۳، صص ۶۷-۱۰۰.

Liminality in Hajj's Rituals

(The Comparative Analysis of Hajj's Rituals and Features of Expedition Theater)

Ali Rooyin*

Ph.D. Student of Theater Studies, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Received 7 Nov 2016, Accepted 16 May 2017)

The purpose of this article is to analyze the Hajj's Rituals and its comparison with the structural pattern of Theater Expedition. The main concept of this study is Liminality; the concept that has been taken by Victor Turner from Arnold Van Gennep's, *The Rites of Passage* (1909). According to Van Gennep, every ritual has three parts, phases or main stages: Separation, Liminality and Return. In Turner's view, the most important part of this triple process is Liminality: the stage that takes shape for a person or group, after the formation of a gap or crisis in social or individual rules. At the individual and social levels, this concept (Liminality) exists in all situations of crisis. Based on this feature, it depends on the time, place, beliefs, choices and commands of religious, ritual or social leaders. Regarding the central concept of the two theorists and the main purpose, the roadmap for this research is designed to compare the structure of the Hajj's Rituals with Theater Expedition. In this article, Theater Expedition means an adventure and immediate encounter with itself (as a person or an actor) and the others (People, Animals, Things, Places, Nature, Spaces and Objects). The analysis method in this article is qualitative and begins with the classification of the structure of the Hajj's Rituals and Theater Expedition. For this categorization, the elements are separated from each one and the most important sections are analyzed with the main aforementioned definition. This categorization is based on the functional role and concept and includes, respectively, hidden and obvious functions and the performers' beliefs and practices. The outcome of this research gives three main perceptual levels or index of Liminality: Spatial, Place and

Time. All of these three indicators are mentioned in the three main parts of the concept: pre-Liminality, Liminality, past-Liminality, which at each stage, will entail different conditions and executives due to the quality and quantity of those conditions. The other results of this research could be presented in these phrases: The influential ways of the Liminality stage are "individual," "thoughtful," "promotional," and "critical." These stages in Hajj's rituals are the result of the ritual-education process for a person, at two levels (family and religion and society). The Hajj's rituals and Liminality have the same direction and same meaning in terms of origin. They are different in the performing approach and finally, the research hypothesis is confirmed by their similarity and alignment in terms of content and performance. It is hoped that this article and its results will help to raise the level of understanding of the rituals' influences. It is expected the quantity and quality of the comparative and interdisciplinary research in the field of performing arts and their interdisciplinary can be an exam to evaluate and apply Turner's extrapolation of Van Gennep's thesis and to provide a wider scope for other activists in the field of cultural studies to study rituals and performing opportunities as a parallel phenomenon which can be summarized by interdisciplinary approaches such as this study.

Keywords

Hajj's Rituals, Liminality, Theater Expedition, Ritual, Arnold Van Gennep, Victor Turner.